

## ارتش مصر برای مهار انقلاب اقدام کرده است نه برای هدایت آن

جان ریز \*

متن پیش رو ترجمه‌ای است از مقاله‌ی زیر که در تاریخ سوم جولای در وبسایت «آتش متقابل» (Counter Fire) انتشار یافته است:

### [The Egyptian army acted to limit the revolution, not to lead it](#)

نویسنده در این مقاله به این پرسش می‌پردازد که اکنون انقلاب مصر پس از کودتا به کجا می‌رود؟

\*\*\*

از میان همه‌ی راههای سقوط مرسی، مسیر کنونی به طور توأمان بهترین و بدترین راه است. بهترین از آن رو که پس از تظاهرات سی ژوئن، تحرک انقلابی عظیمی را موجب شده است. بدترین از آن رو که ارتش مصر برای متوقف ساختن تعمیق این تحرک سیاسی وارد عمل شده است، چرا که این حرکت توده‌ای می‌توانست نه تنها دولت «مرسی» بلکه کل ساختار قدرت طبقه‌ی سرمایه‌دار را مورد تهدید قرار دهد.

ما هنوز نمی‌دانیم که آیا اقدام ارتش به برخورد‌های نظامی‌ای منجر می‌شود که می‌تواند ماهیت ستیز سیاسی در مصر را تغییر دهد [یا نه]. این یکی از دلایلی است که برای توده‌ها بهتر آن بود که حکمرانی «مرسی» را با شیوه‌ها و ابزارهای خودشان پایان دهند.

تردیدی نیست که مردم برای سازماندهی این حرکت علیه «مرسی» کاملاً بر حق بودند. دولت او سقوط کرد زیرا بر حسب بیان کنایه آمیز «سنت ژوست» درباره انقلاب فرانسه: «آنهايي که یک انقلاب را تا نیمه پیش می‌برند، تنها گورهای خودشان را حفر می‌کنند».

اخوان‌المسلمین به سادگی تمام توسط طبقه‌ی حاکم مصر به قدرت رسیدند؛ به سادگی از مسند قدرت، به جای قدرت واقعی، خرسند شدند، بیآنکه هرگز محملی مناسب برای یک انقلاب از عمق اجتماع باشند یا محملی برای رادیکالیسم انقلاب مصر بوده باشند.

عملکرد دولت اخوان‌المسلمین برای تسکین فلاکت‌های تهیدستان، برای دفاع از سازمان‌یابی کارگران و برای دموکراتیزه کردن دستگاه سیاسی بسیار ناچیز بود.

فراتر از همه، دولت اخوان‌المسلمین کوشید با نهادهای امنیتی حکومت سابق زد و بند کند. اما همچنانکه که «تاوینی» (R.H. Tawney) می‌گفت: «شما می‌توانید یک پیاز را لایه به لایه پوست بکنید، اما نمی‌توانید یک ببر را پنجه به پنجه پوست بکنید.» اکنون [در مصر] ببر «شورای عالی فرماندهی نیروهای مسلح» (SCAF) اخوان‌المسلمین را برای صبحانه‌اش بلعیده است.

«شورای عالی فرماندهی نیروهای مسلح» به طور بی‌سابقه‌ای از فوران نارضایتی‌هایی که به تظاهرات سی ژوئن انجامید بهره گرفته است و می‌کوشد تا عرصه‌ای را که در انقلاب اصلی از دست داده بود باز پس گیرد. به طور دقیق‌تر، شورای عالی فرماندهی نظامی عرصه را زمانی از دست داد که سال گذشته فرزند مطلوب این شورا، احمد شفیق، نتیجه‌ی انتخابات ریاست جمهوری را به «مرسی» واگذار کرد.

اما این یک کودتای سراسر است. این اقدام تنها با پشتوانه‌ی بسیج توده‌ها امکان‌پذیر بود. همچنانکه «جک شنکر» (Jack Shenker)، تحلیل‌گر گاردین، اشاره کرده است: «این واقعیت که اعتراض خیابانی توده‌ای مسبب یک بحران سیاسی شد، گواهی است بر قدرت این انقلاب؛ اما این واقعیت که این اعتراضات به کودتای ارتش منجر شد، نشانه‌ی ضعف این انقلاب است.»

در طی انقلاب اصلی (۲۰۱۱) شورای عالی فرماندهی نیروهای مسلح «مبارک» را پس از ۱۸ روز برکنار کرد، چرا که آنها از این هراس داشتند که در صورت عدم انجام چنین کاری، تعمیق انقلاب بساط همه‌ی آنها را بر خواهد چید.

اقدام امروز این شورای نظامی برای آن بود که مردم خود [مستقیماً] دولت «مرسی» را سرنگون نسازند، به این دلیل که این امر شیخ یک انقلاب دوم را برمی‌انگیخت که می‌توانست تهدیدی علیه کل حاکمیت، و از جمله نقش محوری نظامیان در آن، باشد. این یک کودتای پیش‌گیرانه [برای پیش‌دستی] بود. نه به معنای پیش‌دستی بر علیه اقدام احتمالی «مرسی»، که تهدید ناچیزی برای نظامیان بود، بلکه برای جلوگیری از کنش رادیکال توده‌ها، که تهدید واقعی برای نظامیان حاکم هستند.

اکنون این پارادوکس حتی در اذهان برخی از کسانی که در میدان «تحریر» از اقدام ارتش شادمانی می‌کنند نیز وجود دارد. یک شاهد عینی گزارش می‌دهد که: «این آوازخوانی و جشن همگانی [موقتاً] متوقف شد هنگامی که شخصی برخاست و رو به جمعیت فریاد زد که «شما چگونه می‌توانید ما پرو، محمد محمود و ابازید را فراموش کنید؟»، این یادآوری بر این دلالت داشت که شما چگونه می‌توانید سرکوب جنبش از سوی ارتش را زمانی که آخرین بار در «دوره‌ی گذار» قدرت را در دست داشتند، فراموش کنید؛ در همان دروهای که نظامیان با فشار خود جنبش مردمی را به سمت یک پروسه‌ی سیاسی متعارف کشاندند.

تروتسکی زمانی چنین نوشته بود: «توده‌ها از طریق [رشته‌ای از] تخمین‌های متوالی به آگاهی می‌رسند.» توده‌ای مصری در ابتدا تصور می‌کردند خلاص شدن از شر «مبارک» کافی خواهد بود. اما این گونه نبود و آنها به حرکت درآمدند تا به دولت انتقالی نظامیان برای برگزاری انتخابات فشار بیاورند. که این اقدام هم به نیازهای انقلاب آنان پاسخ نداد. سپس آنها بار دیگر به حرکت درآمدند تا مانع از آن شوند که نماینده‌ی شورای نظامیان انتخابات آنان را برآید. در نتیجه، «مرسی» پیروز شد، اما انتخاب او برای پاسخگویی به نیازهای انقلاب مصر ناکافی بود. پس توده‌ها این بار به در سطحی وسیع‌تر و به طور عمیق‌تر از گذشته به حرکت درآمدند، اگر چه این بار اخوان‌المسلمین علیه آنها ایستاده بود نه در کنار آنها.

نباید اجازه داد اقدام ارتش این پروسه‌ی [انقلابی] را متوقف سازد. ارتش حتی خواهان یک نظام سیاسی مطیع‌تر از دولت اخوان‌المسلمین است. آنها خواهان کسانی مانند محمد البرادعی، پیشوای مسیحیان مصر و یا رهبر روحانی مسلمانان [شیخ الازهر] هستند که [با تایید انفعالی بیانیه‌ی ارتش] به مثابه جلودار شورای عالی نظامیان راه به تعویق انداختن انتخابات آتی به شش ماه آینده را [برای آنان] هموار کرده اند.

اما این دوره‌ی شش ماهه مقارن با تامین حداقل دستمزد، پایان‌یابی فقط مفرط فراگیر و یا آزادی‌های مدنی جدید نخواهد بود. ادامه‌ی مبارزات در همان مسیری پیش خواهد رفت که پس از براندازی «مبارک» انجام شده بود. اما هنوز پرسش‌های بی‌پاسخ بسیاری به جای مانده است: آیا اخوان المسلمین [با وضعیت جدید] مقابله خواهد کرد؟ آیا شورای عالی نظامیان به وعده‌ای خود وفا خواهد کرد؟

اما یک چیز روشن است: شورای عالی نظامیان تنها از آن رو قادر شد از این تحرک انقلابی بی‌سابقه برای پیش بردن برنامه‌های خود بهره‌برداری کند که این انقلاب هنوز فاقد رهبری سیاسی نهادمندی از آن خود است. این مقوله اکنون یک اولویت حیاتی است. بدون این [رهبری سیاسی] توده‌ها نیروی بخار لازم را برای موتور فراموش می‌کنند که توسط جریان‌های مخالف آنان هدایت می‌شود.

۳ جولای ۲۰۱۳ / ۱۲ تیر ۱۳۹۲

[\*] درباره نویسنده (به نقل از [نشریه «آلترناتیو»](#)): «جان ریز» (John Rees متولد ۱۹۵۷)، از اعضای سابق کمیته‌ی مرکزی «حزب کارگران سوسیالیست بریتانیا» بوده است. او در سال ۲۰۱۰ در پی پاره‌ای اختلافات از عضویت در این حزب استعفاء داد و هم‌اکنون وب‌سایت سازمانده «آتش متقابل» (Counterfire) را اداره می‌کند.

از آثار «جان ریز» کتاب «**جبر انقلاب**» به همت اکبر معصوم بیگی (و توسط «نشر دیگر») به زبان فارسی انتشار یافته است.